

## صفحه‌ی از تاریخ اصفهان (قرن ۱۱ - ۱۴)

در زمان سید شفتی و حاجی کرباسی اصفهان مرکزیت علمی و روحانی داشت بطوری که طلاب از همه نواحی ایران و همچنین از بعض ممالک مجاور برای تحصیل به اصفهان می‌آمدند؛ مرجعیت تامه شیعه نیز باسید شفتی پیداآبادی اعلی الله مقامه بود.

نیز عالم اصولی معروف شریف العلماء (محمد شریف بن ملاحسن علی آملی) متوفی ۱۲۴۵ از شاگردان سیدعلی صاحب ریاض و پسر وی و بعضی دیگر از معاصران او بود که سند اجتهاد و تحصیلات ایشان همه به آقا باقر می‌پیوست .

و نیز مجتهد مشهور « ملا احمد نراقی کاشانی » صاحب « مستند » متوفی ۱۲۴۵ ق . شاگرد پدرش « ملامهدی نراقی » است که چنانکه پیش اشاره کردیم از افاضل شاگردان ملا اسماعیل خواجه‌ی بود ولیکن درك محضر آقا باقر را نیز کرد و از وی سند روایت داشت .

از حوزه درس وی و شریف العلماء عالم اصولی بزرگی مانند شیخ مرتضی انصاری ۱۲۱۴ - ۱۲۸۱ ق . برخاست که فن اصول را بمقام یکی از علوم عالیه ترقی داد و علمای بعد از وی هر چه آمدند خوشه چین خرمن افادات وی بودند .

شیخ محمد تقی اصفهانی صاحب حاشیه متوفی ۱۲۴۸ ق . و برادرش شیخ محمد حسین صاحب فصول متوفی ۱۲۵۴ ق . هم از دست پروردگان حوزه شاگردان آقا باقر بهبهانی بوده‌اند.

همچنان از میان شاگردان این سلسله که نام بعضی را برشمردیم علمای دیگر ظهور کردند همچون نابغه فن اصول مرحوم آخوند ملامحمد کاظم خراسانی صاحب کفایة الاصول متوفی ۱۳۲۹ ق . که فن تحقیق اصول فقه بوی ختم شده است ، و بعد از وی هر چه از علمای اصولی می‌بینیم همه از منبع افاضات آخوند خراسانی آب خورده‌اند . وی در فن اصول فقه از شاگردان شیخ انصاری بود.

در حوزه درس مرحوم آخوند خراسانی که در نجف اشرف تشکیل می‌شد حدود هزار نفر طالب علم می‌نشستند که بسیاری از آنها مجتهد یا قریب الاجتهاد بودند .

باری چنانکه دیدیم فنون منقول و علوم اجتهادی در قرون اخیره از اصفهان بدیگر ولایات ایران و ممالک مجاور کشیده است .

### ب : فلسفه و دیگر علوم معقول

اما علوم معقول یعنی فلسفه و ریاضیات و غیره نیز مشعله دارش علی‌الاطلاق باتفاق اصفهان و علمای آنجا بودند که اخگری از این نار مقدس و پرتوی از این نور الهی را نگاه داشته در آن تیره زمان چراغی روشن حفظ کردند و بدست آیندگان سپردند .

راقم سطور شمه‌ی از تاریخ فلسفه و علوم عقلی را که مرکزش اصفهان بوده است از اوایل ظهور صفویه تا قرن حاضر با اسامی مدرسان

و مؤلفان ممتاز آن علوم در مقدمه کتاب شرح مشاعر که حضرت فاضل معاصر آفاسید جلال الدین آشتیانی تصحیح و طبع کرده‌اند نوشته‌ام که تکرارش اینجاست و ضرورت ندارد؛ اما مطالعه آن مقدمه برای تبیین و تکمیل مطالبی که در مقاله حاضر منظور ماست بسیار مفید بل که لازم است. در قرن دوازدهم هجری که تاریکترین دوره‌های قرون اخیر است چراغ فلسفه و علوم معقول بدست چندتن از دانشمندان اصفهان روشن ماند و روشنایی آن به اخلاف رسید:

- ۱ - میرزا محمد تقی الماسی حکیم فقیه متوفی ۱۱۵۹ ق.
  - ۲ - میرزا عبدالله حکیم متوفی ۱۱۶۲ ق.
  - ۳ - ملا اسماعیل خواجه‌جویی صاحب شرح دعای صباح متوفی - شعبان ۱۱۷۳ ق.
  - ۴ - آقا محمد بیدآبادی حکیم عارف فقیه متوفی ۱۱۹۸ ق.
  - ۵ - میرزا محمد علی میرزا مظفر عارف فقیه حکیم متوفی ۱۱۹۸ ق.
- آقا محمد بیدآبادی و ملا اسماعیل خواجه‌جویی (۱) مخصوصاً از افراد شاخص اوایل قرن ۱۲ هجری بودند که رشته تحصیلات ایشان به میرزا محمد تقی الماسی و حکمای دیگر نیمه اول آن قرن می‌پیوست. از حوزه درس ملا اسماعیل خواجه‌جویی و آقا محمد بیدآبادی جماعتی ظهور کردند که میراث فلسفه و علوم عقلی را بقرن سیزدهم رسانیدند. از آن جمله میرزا ابوالقاسم مدرس خاتون آبادی متوفی ۱۲۰۲ ق.

- ۱ - بعضی علمای نزدیک بزمان ما اشتباهاً معتقد بدو نفر «ملا اسماعیل خواجه‌جویی» در یک زمان شده و وفات آن شخص موهوم را ۱۱۷۷ ق نوشته‌اند، راقم سطور در این باره مقالاتی جداگانه خواهم نوشت انشاءالله تعالی.

و ملامحrab گیلانی اصفهانی متوفی ۱۲۱۷ق را باید نام برد که هر دو از مدرسان بزرگ فلسفه در اصفهان بودند.

ملا مهدی نراقی کاشانی (۱۲۰۹ ق .) هم چنانکه در پیش اشاره شد در فنون عقلی از شاگردان برجسته ملا اسماعیل خواجه‌جویی است؛ چنانکه در علوم عقلی بشاگردی آقا باقر اصفهانی بهمانی مفاخرت مینمود. این جماعت که گفتیم شاگردانی تربیت کردند که میراث فلسفه و علوم عقلی را بقرن ۱۳ و ۱۴ هجری تحویل دادند .

آخوند ملاعلی نوری حکیم مدرس اصفهان و جمعی از شاگردان تربیت شده او .

در میان آن گروه که اشاره کردیم از همه معروفتر آخوند ملاعلی نوری اصفهانی است متوفی ۱۲۴۶ ق . که چراغ فلسفه و حکمت بوسیله وی روشن ماند و بهمه اصقاع و نواحی روشنی داد .

مرحوم آخوند ملاعلی از نودسال متجاوز عمر کرد؛ حدود شصت سال در اصفهان تدریس میکرد و از برکت محضروی شاگردان بسیار تربیت شدند که هر کدام در شهری و دیاری بساط افاضت بگسترده و امانت میراث علوم عقلی را بمستعدان سپردند .

یکی از شاگردان برجسته آخوند ملاعلی نوری ، ملا اسماعیل ابن محمد سمیع در کوشکی اصفهانی است معروف به واحد العین که از آثارش حواشی شوارق بطبع رسیده است و بعضی اشتباهاً آن را به «ملا اسماعیل خواجه‌جویی» نسبت داده‌اند؛ کتاب «مشاعر» و «عرشیه» آخوند ملاصدرا را نیز شرح نوشته که عمده منظورش رد گفته‌ها و نوشته‌های مرحوم «شیخ احمد احسائی» است و وفاتش علی‌الاصح در حوالی ۱۲۷۰ و بنوشته

بعضی ۱۲۷۷ یا حدود ۱۲۸۰ ق است (۱)

حاج ملاهادی سبزواری صاحب شرح منظومه (۱۲۱۲-۱۲۸۸) که او را بزرگترین فیلسوف قرن سیزدهم هجری باید نامید از شاگردان همان آخوند ملا علی نوری و شاگردش ملا اسماعیل در کوشکی بوده است.

و نیز یکی از شاگردان آخوند ملاعلی نوری میرزا عبدالجواد حکیم اصفهانی است متوفی ۱۲۸۱ ق. که با ملا اسماعیل در کوشکی واحدالعین در یک طبقه محسوب میشد.

مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه حکیم معروف قرن اخیر متوفی ۱۳۱۴ ق از شاگردان همین میرزا عبدالجواد بود.

و نیز از جمله شاگردان آخوند ملاعلی نوری، آقاسید رضی اصفهانی لاریجانی الاصل است که حکیم شاعر معروف عهد ناصرالدین شاه قاجاریعی آقا محمد رضا قمشه‌یی اصفهانی متوفی ۱۳۰۶ ق. از تلامذ او است.

توضیحاً علاوه می‌کنم که سید رضی لاریجانی فلسفه مشائی را نزد آخوند ملاعلی نوری تحصیل کرده بود. اما فلسفه اشراق و عرفان را گویند نزد میرزا رفیع شیرازی تحصیل کرد که در این فنون تبرز و براعتی خاص داشت.

۱ - توضیحاً تاریخ وفات ملا اسماعیل در کوشکی واحدالعین را این حقیر در نوشته‌های سابق خود از روی اعتماد بقول دیگران حدود ۱۲۸۰ ق نوشته‌ام؛ اما بتازگی مأخذ معتبری بنظرم رسیده است که حدود ۱۲۷۰ ق را معلوم می‌کند، این موضوع را هم در مقاله «ملا اسماعیل خواجه‌جوئی» جداگانه خواهم نوشت انشاءالله تعالی.

و نیز از شاگردان آخوند ملاعلی نوری است آخوند ملاعبداالله زنوزی که در طهران مدرس مدرسه خان مروی بوده و تألیفاتی داشته است. آقا علی حکیم مدرس معروف طهران فرزند تربیت شده همین ملاعبداالله زنوزی است .

آخوند ملا آقای قزوینی که در قزوین مدرس معقول بوده است هم از شاگردان قدیم آخوند ملاعلی نوری بود که بر دوره حاجی سبزواری هم تقدم زمانی داشت .

حاج ملا محمد جعفر لنگرودی ساکن اصفهان شارح مشاعر ملاصدرا؛ و ملا سلیمان تنکابی پدر ملا محمد مؤلف قصص العلماءم از جمله شاگردان درس آخوند ملاعلی نوری بوده اند .

\*\*\*

علاوه بر شاگردان ملاعلی کسان دیگر در اصفهان بوده اند از قبیل میرزا محمد حسن چینی و ملا حسن آرنندی نایینی که از فحول علمای فلسفه و عرفان بوده و واسطه انتقال این علوم بقرون بعد شده اند .

اگر خوب بخواهید حکمت و فلسفه قدیم در ایران به حاجی سبزواری و پس از وی به جلوه و آقا محمد رضا قمشه‌یی ختم شده است و بعد از ایشان هر که آمده سخنان گذشتگان را تکرار کرده است بدون این که از خود تحقیقی تازه و در خور اهمیت داشته باشد ، مدعیان فلسفه زمان حاضر غالباً از نقل کلمات پیشینگان نیز عاجزند تا بکشف تازه چه رسد !

باری بهترین شاگردان آقا محمد رضا قمشه‌یی جهانگیر خان قشقایی اصفهانی (متوفی ۱۳۲۸ ق.) مدرس معروف قرن اخیر در اصفهان

و مرحوم میرزاهاشم اشکوری محشی کتاب مفتاح الغیب صدرالدین  
قونوی در طهران بودند .

وبهترین شاگردان مرحوم جلوه در طهران میرزا حسن کرمانشاهی  
و آقاعلی مدرس مدرسه سپهسالار بودند .

مرحوم میرزا طاهر تنکابنی عالم معروف معاصر ما که در ۱۳۶۰ ق  
فوت شد از شاگردان جلوه بود درس آقا محمد رضا قمشه‌یی را نیز درک  
کرده بود .

استاد فلسفه این حقیر مرحوم آقا شیخ محمد خراسانی متوفی  
۱۳۵۵ ق . که خاتم مدرسان فلسفه اصفهان است از شاگردان برجسته  
جهانگیر خان بود .

جناب علامه معاصر حضرت آیه الله العظمی آقای حاج آقا رحیم  
ارباب اصفهانی دامت افاضاته العالیه هم از شاگردان برجسته آخوند  
ملا محمد کاشانی اند که وی و جهانگیر خان سالیان دراز دورکن شاخص  
تدریس علوم عقلی در اصفهان بودند ، وفات آخوند کاشانی در سال  
۱۳۳۳ قمری اتفاق افتاد .

حقیر آن بزرگوار رادیده و از برکات انفاس قدسیه اش مستفیض  
شده ام . حضرت حاج آقا رحیم ارباب نیز بر این بنده سمت استادی دارند و  
از استادان من به اصفهان در حال حاضر همین یک نفر حیات دارد ادام الله  
تعالی بقاءه و یسرلی لقاؤه .

علاوه می کنم که حضرت استادی آقای حاج آقا رحیم مدتی مدید  
نزد جهانگیر خان تحصیل کرده و خود را رهین افاضات آن استاد  
بزرگوار نیز میدانند .

## رشته فلسفه در بلده قمیشه (شهرضا)

ناگفته نگذیریم که در همین قرون اخیره غیر از آقا محمد رضا قمیشه‌یی که ساکن اصفهان و طهران شده بود . يك رشته از اساتید و مدرسان بزرگ فلسفه و علوم عقلی در خود بلده قمیشه ( = شهرضا از توابع اصفهان نیز بتدریس و نشر این فنون اهتمام داشتند؛ که از آن جمله است ملا مصطفی حکیم در اواخر عهدز ندیه و اوایل قاجاریه ؛ و نیز ملا محمد باقر فضل آبادی که بهترین شاگرد او مرحوم میرزا نصرالله قمیشه‌یی است و از این میرزا نصرالله جمعی شاگردان ممتاز تربیت شدند؛ نظیر آقاشیخ اسدالله دیوانه متوفی ۱۳۳۴ ق و . ملا محمد هادی فرزانه متوفی ۱۳۸۵ ق که خاتم مدرسان فلسفه در آن بلده بود ؛ اما در حال حاضر بزرگترین عالم جامع معقول و منقول در آن نواحی حضرت آیه الله حاج میرزا محمد رضا مهدوی ادام الله برکاته العالیه که نظیر ایشان در سایر بلاد نیز عزیزالوجود و دیر یاب است .

## ج : شعر و ادب فارسی

حوادث ناگوار و فتنه های خانمان سوز که از سنه ۱۱۳۴ ق . بعد اتفاق افتاد ، مردم ایران خصوصاً اصفهان را که پایتخت مملکت عظیم صفویه بود چنان از ذوق و حال انداخت که هیچکس را پروای شعر و ادب فارسی نبود؛ و شعر و ادب که از مظاهر ذوق و حال است بسرعت هرچه تمامتر راه زوال و نیستی ابدی می پیمود !

این که گفتم کسی را حال شعر و شاعری و پروای ذوق و حال نبود غالبش برسبیل سالبه بانثناء موضوع است ؛ زیرا که در آن



هفت سال و چند ماه طول مدت حادثه که يك سر آن قحط و غلا و امراض مهلك گوناگون؟ و يك سرش جنگها و زدوخوردهای نامنظم متناوب؛ و حشو آن قتل عامها و غارتهاى متوالی بود که قوم غالب هر روز بهبانه‌ی مرتکب می‌شدند؛ و چاشنی آن آوارگی‌ها و سربنیست شدنهای مردم آبرومند بود که لحظه بلحظه روی بتزایدداشت اصلا کسی زنده و باقی نمی‌ماند تا بفکر شعرو شاعری و پروای ذوق و حال چه رسد اگر آن احوال دوام مییافت و دست تسوانای اراده غیب از آستین نابغی بنام «نادرشاه افشار» بیرون نیامده و دنباله آنغایله را قطع نکرده بود (فقطعب ابر القوم الذین ظلموا) معلوم نیست که بر سر اصفهان ستم‌دیده چه می‌آمد. آیا متنفسی از اهالی آن شهر زنده می‌ماند یا باقی مانده نیز همراه گذشتگان راه عدم می‌سپردند و وادی خاموشی را می‌پیمودند!

باری در بحران همان فتنه‌ها و گیرو دارها و قتل و غارتها و شیوع امراض و ناخوشیهای مهلك که بر این کشور ستم رسیده روی آور شده بود باز اراده خداوند قادر متعال باین امر تعلق گرفته بود که گنجینه گرانهای شعرو ادب فارسی بکلی خاک خورد نشود و میراثش از گذشتگان به آیندگان برسد؛ و برای انجام گرفتن این مهم باز اصفهان و اصفهانیانرا از میان همه جا برگزید.

در عهد کریمخان زند که فی الجمله آسایش و آرامشی بر ایران حکم فرما شده بود گروهی از شعرا و گویندگان و ارباب ذوق اصفهان بایسن فکر افتادند که چراغ نیم مرده شعر و شاعری را حیات تازه بدهند و سنت از دست رفته گویندگان قدیم را احیا کنند. (ناتمام)